

داستانهای مصور زرور

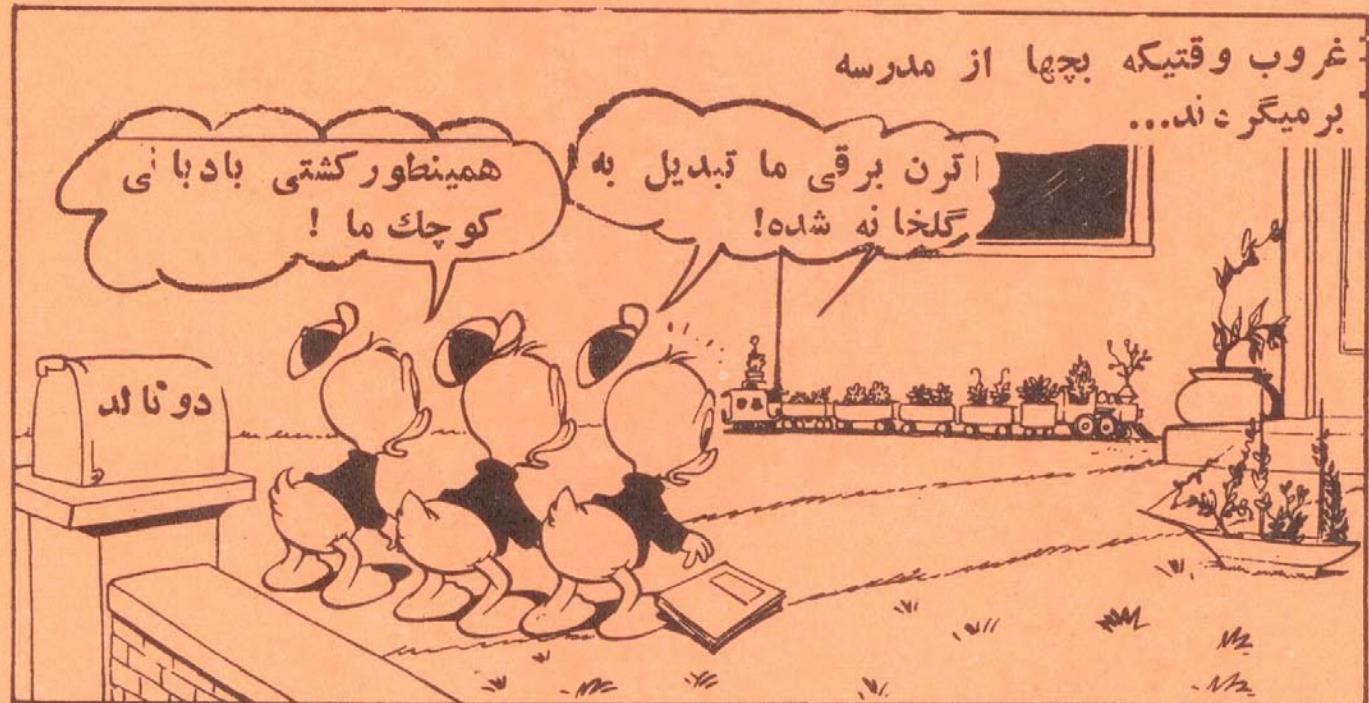


عمو دو نالد گلباز !



داستانهای مصور زروری

به به! اینهم کتابی در باره پرورش گل
من میتوانم از امشب یک باغچه پراز گل
داشته باشم!



عمو دونالد گلباز!



داستانهای مصور زروری

پیچاک یا چیزدیگر را من نمی‌فهمم...
چرا همه اسباب بازی‌های ما را تبدیل
به گلدان کردی؟



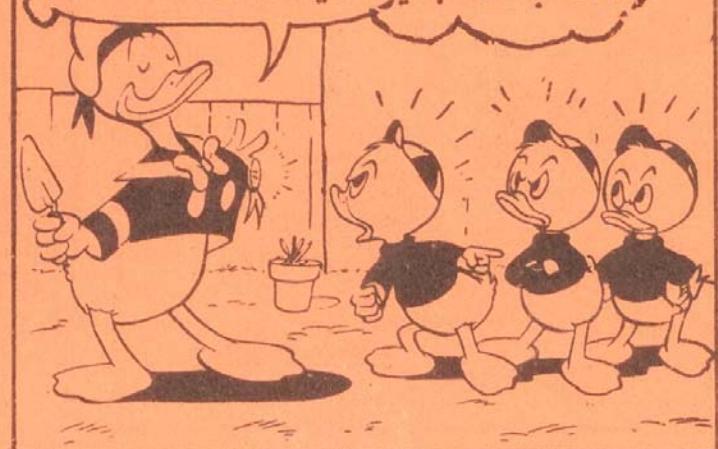
(اولاًکه این فرگس نیست و گل
پیچاک است و در ثانی...)



اسباب بازی‌های ما که غیرطبیعی
نیستند و وقتیکه آنها را برداشتی و
تبدیل به گلدان کردی ما با چه
چیز بازی کنیم؟



گوش‌کنید بچهای من به عضویت باشگاه
دوستداران گل در آمدی ام در آنجا به گل
هائی که در اشیا غیرطبیعی و عجیب کاشته
شده باشد جایزه میدهند!

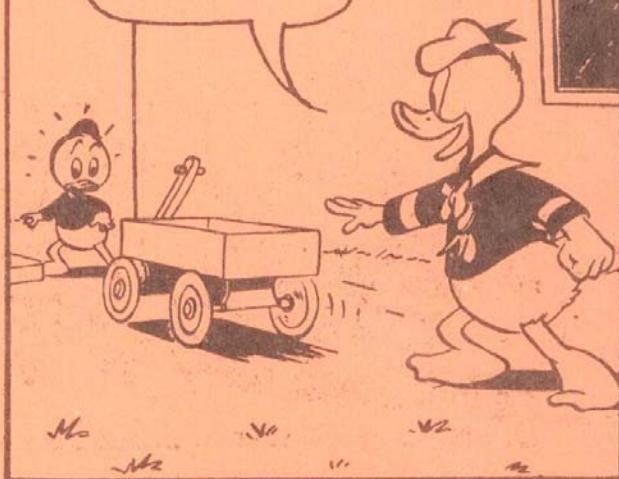


عمو دو نالد گلباز !



داستانهای مصور زروری

بنظر من شوخی شما هیچ خوشمزه نیست.
بیا تید آنها را در این گاری بکارید اول
آنرا از خاک و کود پر کنید!



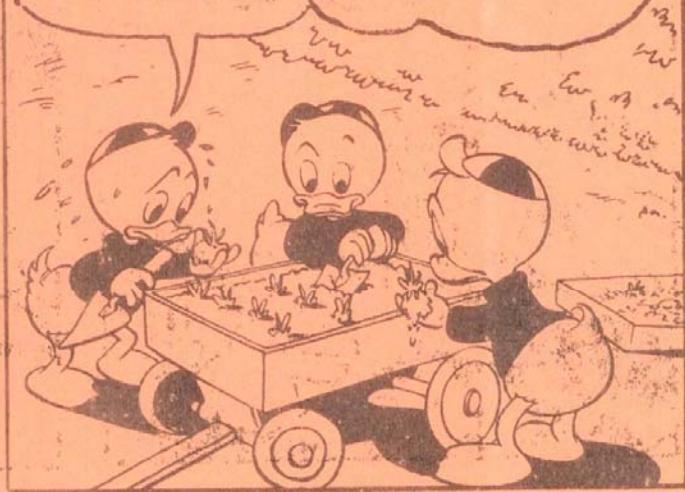
عمو جان! عقیده‌ات در باره سطل زباله
چیست؟ اینکه یک گلدان نیست. میتوانی
آنها هم گل بکاری!



عمود و فالد احتیاج نداشت کار
گل بازی را به این وسعت شروع
کند. بنظر من هیچ کس بدتر از یک
گلباز ناشی نیست!



اینهم از گاری پستی ما! چقدر زحمت
کشیدیم تا آنرا درست کردیم!



عمو دو نالد گلباز !

